

سلسله درس های محدویت

حلقه ششم

غزبت امام عصر علیہ السلام

ekalam.ir

دکتر سید محمد کدبنی هاشمی



سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: غربت امام عصر (عج): سلسله درس‌های مهدویت، حلقه ششم
سید محمد بنی‌هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.
شابک جلد ششم: ۷-۱۵۳-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
شابک دوره: ۲-۱۵۸-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. مهدویت.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۸ س ۸۳ ب / ۲۲۴ BP
رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷ / ۴۶۲

شابک ۷-۱۵۳-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-539-153-7

غربت امام عصر (عج)

سلسله درس‌های مهدویت (۶)

سید محمد بنی‌هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: زنق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۲۱-۳۳۵۶۶۸۰۱ (خط ۴) ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: تبریز (صحیفه) ۰۴۱۱-۵۵۵۱۸۴۸ * اهواز (رشد) ۰۶۱۱-۲۲۱۷۰۰۱ * مشهد ۰۵۱۱-۲۲۵۷۲۵۷
شیراز (شاهچراغ) ۰۷۱۱-۲۲۲۱۹۱۶ * اصفهان (مهر قائم) ۰۲۲۱۹۹۵-۰۳۱۱ * دزفول (مراج) ۰۶۴۱-۲۲۶۱۸۲۱

۵۰۰۰ تومان



این حلقه به نیابت از:

احیاگر احادیث اهل بیت علیهم السلام

شیخ صدوق رحمته الله

به پیشگاه؛

مادر بزرگوار سید الاوصیاء و امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام

تقدیم می گردد.



فهرست مطالب

□ بخش اول: غربت امام عصر علیه السلام

۱۷	درس اول: نعمتِ ناشناخته
۱۷	مقدمه: اهل بیت علیهم السلام ، نعمتِ کفران شده
۲۱	فصل اول: امامِ قدر ناشناخته
۲۱	معنای اولِ غریب
۲۳	قدر ناشناخته بودن امام عصر علیه السلام
۲۴	امام شناسانِ قدرناشناس
۲۷	درس دوم: قدر ناشناخته بودن صفات امام عصر علیه السلام
۲۷	عدم معرفت به وصف
۲۸	الف) امامت
۳۰	ب) ولایت
۳۲	ج) عصمت
۳۶	د) نصِّ بر امامت
۳۹	درس سوم: بی‌اعتقادی به امام علیه السلام و راه نجات از آن
۳۹	بی‌اعتقادی تحصیل کرده‌ها

۴۰	کم معرفتی عوام
۴۳	قدرناشناسی نسبت به «علم مصبوب»
۴۵	حیرت و هلاکت
۴۶	تنها راه نجات
۴۸	همچون امور دنیوی
۵۰	پرسش های مفهومی از درس های ۱ تا ۳
۵۱	فصل دوم: امام از یاد رفته
۵۱	درس چهارم: فراموش شدن قلبی و زبانی امام عصر علیه السلام
۵۱	معنای دوم غریب
۵۲	ویژگی های یاد کردن
۵۴	چگونگی یاد کردن از امام عصر علیه السلام
۵۶	امام زمان از یاد رفته
۶۰	درس پنجم: فراموشی فراگیر
۶۰	پدر و مادر از یاد رفته
۶۴	زندان غیبت
۶۶	غفلت شیطانی
۶۹	مردن یاد امام علیه السلام
۷۳	فصل سوم: امام فرو نهاده
۷۳	درس ششم: امام مهجور
۷۳	معنای سوم غریب
۷۵	مهجور بودن امام عصر علیه السلام
۷۵	علم مصبوب
۷۶	کشتی نجات
۷۷	ریشه هر خیر

فهرست مطالب □ ۹

۷۹	آب شیرین و گوارا
۸۰	شاهد بر امت
۸۱	رفیق مونس
۸۳	پدر دلسوز
۸۵	درس هفتم: مقایسهٔ «پتر معطله» با «ماء معین»
۸۵	چاه بدون استفاده و قصر خالی از سکنه
۸۸	آب در دسترس
۹۱	فتنهٔ شدید
۹۵	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۴ تا ۷
۹۷	فصل چهارم: امام دور از اهل و دیار
۹۷	درس هشتم: امام دور از اهل و دیار و بی‌یار و یاور
۹۷	معنای چهارم غریب
۹۸	عزلت امام عصر علیه السلام
۱۰۰	سکونت امام عصر علیه السلام در نقاط دور دست
۱۰۲	اهل طاعت و اخلاص
۱۰۵	فصل پنجم: امام بی‌یار و یاور
۱۰۵	معنای پنجم غریب
۱۰۵	وصف یاران خاض امام عصر علیه السلام
۱۰۷	اندک بودن یاران امام علیه السلام
۱۱۱	مؤمنان ثابت قدم
۱۱۵	فصل ششم: منتقم خون امام حسین علیه السلام
۱۱۵	درس نهم: امام عصر علیه السلام خونخواه امام حسین علیه السلام
۱۱۵	امام غریب

۱۱۶	خونخواهی سیدالشهدا علیه السلام
۱۲۱	انتقام الهی از قاتلان امام حسین علیه السلام
۱۲۱	انتقام یا کینه توزی؟
۱۲۳	مصیبت بزرگ
۱۲۵	اندوه همیشگی
۱۲۶	پایه گذاران ظلم
۱۲۹	درس دهم: انتقام از راضیان به قتل امام حسین علیه السلام
۱۲۹	پیروان ظالمان
۱۳۱	راضیان به ظلم
۱۳۵	اسراف در قتل!
۱۳۷	اختصاص این نوع قصاص به امام عصر علیه السلام
۱۳۹	مأموریت الهی
۱۴۲	پرسش های مفهومی از درس های ۸ تا ۱۰

□ بخش دوم: یاری امام غریب

۱۴۵	فصل اول: اهمیت یاری امام عصر علیه السلام و اقسام آن
۱۴۵	درس یازدهم: اهمیت یاری امام عصر علیه السلام و اقسام آن
۱۴۵	یاری امام، یاری خداوند
۱۴۶	بی نیازی خدا از یاری غیر
۱۴۸	بی نیازی امام علیه السلام از یاری دیگران
۱۴۹	یاری کردن امام علیه السلام ، لطف امام علیه السلام
۱۵۱	کاستن از غربت امام علیه السلام
۱۵۲	معرفی امام غریب
۱۵۶	اقسام یاری امام عصر علیه السلام
۱۵۹	فصل دوم: یاری امام عصر علیه السلام با قلب

فهرست مطالب □ ۱۱

۱۵۹	درس دوازدهم: نصرت قلبی (۱)
۱۵۹	دین شناسی
۱۶۰	تفسیر «حکمت»
۱۶۴	آثار تفقه در دین
۱۶۶	فضیلت فقاہت
۱۶۹	درس سیزدهم: نصرت قلبی (۲)
۱۶۹	معنا و ابعاد تفقه در دین
۱۷۴	ثبات در دینداری
۱۷۶	تہذیب قلب از گناہان
۱۸۰	یاری امام علیہ السلام با محبت بہ ایشان
۱۸۳	پرسش‌های مفہومی از درس‌های ۱۱ تا ۱۳
۱۸۵	فصل سوم: یاری امام عصر علیہ السلام با زبان
۱۸۵	درس چهاردهم: نصرت زبانی (۱)
۱۸۵	تہذیب زبان یا اولین مرحلہ یاری امام علیہ السلام
۱۸۷	وظیفہ تبلیغ دین
۱۹۱	تبلیغ دین در غیبت صاحب دین
۱۹۴	رعایت تخصص‌ها و قابلیت‌ها در تبلیغ دین
۱۹۹	گناہ فاش کردن اسرار اہل بیت علیہم السلام
۲۰۱	درس پانزدهم: نصرت زبانی (۲)
۲۰۱	دفاع فرهنگی از دین
۲۰۴	تحمل سختی‌ها
۲۰۵	پاداش ایستادگی در برابر دشمنان دین و نجات بیچارگان
۲۰۹	حفظ دین در هنگام مرگ
۲۱۱	توجہ و عنایت ائمہ علیہم السلام بہ یاران خویش

۲۱۹	فصل چهارم: یاری امام عصر علیه السلام با عمل
۲۱۹	درس شانزدهم: نصرت عملی (۱)
۲۱۹	بالاترین درجه یاری
۲۲۰	تبلیغ عملی دین
۲۲۵	امیر مؤمنان علیه السلام الگوی مؤمنان
۲۲۸	جذب افراد به تشیع با عمل
۲۳	پرسش های مفهومی از درس های ۱۴ تا ۱۶
۲۳۲	درس هفدهم: نصرت عملی (۲)
۲۳۲	ورع و احتیاط در دین
۲۳۵	ورع و عفت خانم ها
۲۳۹	نظر شرع مقدس در مورد عبادات بانوان
۲۴۲	کلام حضرت زهرا علیه السلام در مورد قرب زن به پروردگار
۲۴۵	درس هجدهم: نصرت عملی (۲)
۲۴۵	ضرورت تعلیم و تعلّم برای بانوان
۲۴۸	ارزش کانون خانواده
۲۵۴	رعایت عفاف در ارتباط با نامحرم
۲۵۴	دست دادن با نامحرم
۲۵۵	نگاه شهوت آلود
۲۵۶	شوخی با نامحرم
۲۵۸	ملاقات با زن نامحرم بدون اجازه ولی او

۲۶۱	فصل پنجم: یاری امام عصر علیه السلام با یاری امام حسین علیه السلام
۲۶۱	درس نوزدهم: نصرت سیدالشهداء علیه السلام
۲۶۱	یاری امام حسین علیه السلام ، بالاترین درجه یاری امام عصر علیه السلام
۲۶۴	یاری سیدالشهداء علیه السلام در زمان ما
۲۷۱	یاری سیدالشهداء علیه السلام از طریق زیارت ایشان

فهرست مطالب □ ۱۳

۲۷۴	فضیلت زیارت سیدالشهدا علیه السلام
۲۷۹	زیارت عاشورا
۲۸۴	شعار امام عصر علیه السلام و یارانشان
۲۸۸	درس بیستم: انصار سیدالشهداء علیه السلام
۲۸۸	احوال یاران امام حسین علیه السلام
۲۹۱	سعید بن عبدالله حنفی
۲۹۳	برادران غفاری
۲۹۴	عابس بن ابی شیب
۲۹۵	عمرو بن جُناده
۲۹۷	«حبیب بن مظاهر» و «مسلم بن عوسجه»
۲۹۸	عمرو بن قرطه انصاری
۲۹۹	غلام ترک
۳۰۲	فداکاری‌های بانوان کربلا
۳۰۳	نمونه اول
۳۰۴	نمونه دوم
۳۰۵	نمونه سوم
۳۰۶	نمونه چهارم
۳۰۸	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۷ تا ۲۰
۳۰۹	فهرست منابع



بخش ۱



غزبت امام عصر علیهم السلام

این حدیث از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که در توصیف فرزند عزیزشان فرموده‌اند:

هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ...^۱

او طرد شده تنهای غریب است...

آیا واقعاً امام زمان ما تنها و غریب هستند؟ اگر نخواهیم فرمایش معصوم علیه السلام را حمل بر مسامحه و مبالغه‌گویی کنیم، چه معنی یا معانی را می‌توانیم برای آن قائل شویم؟ به لطف و عنایت خود آن حضرت، پنج معنای مختلف برای غربت ایشان می‌توان دریافت؛ که سه معنای آن، متناظر با سه مرتبه از مراتب شکرگزاری نسبت به نعمت وجود امام علیه السلام است. به این صورت که هر مرتبه از کفران این نعمت عظمی منتهی به یک معنا از غربت ایشان می‌گردد. هر یک از فصول یک تا پنج این بخش به اثبات و شرح یکی از معانی غربت امام عصر علیه السلام اختصاص دارد و در فصل پایانی (ششم)، به مناسبت توضیح حدیث امام هفتم علیه السلام بحث انتقام گرفتن مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه از قاتلان حضرت سیدالشهداء علیه السلام مطرح شده است.

درس اول: نعمتِ ناشناخته

مقدمه: اهل بیت علیهم السلام، نعمتِ کفران شده

با اینکه وجوب شکر منعم، بدیهی عقلی به شمار می آید، ولی بسیاری از نعمت های الهی مورد بی توجهی و کفران واقع می شوند. در این بخش قصد داریم چگونگی برخورد مردم را با بزرگترین نعمت الهی - یعنی وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام - مورد بررسی قرار دهیم. در مطلع بحث، روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام - از پدران گرامی ایشان علیهم السلام نقل می کنیم:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُكْفَرًا لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُهُ، وَلَقَدْ كَانَ مَعْرُوفُهُ عَلَى الْقُرَشِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْعَجَمِيِّ. وَمَنْ كَانَ أَعْظَمَ مَعْرُوفًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ؟^۱

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۲، ح ۳ به نقل از علل الشرایع.

پیامبر صلی الله علیه و آله مورد کفران قرار گرفته‌اند و کار خوب ایشان شکر
گزارده نمی‌شود، در حالی که خیر ایشان به قریش و عرب و عجم
رسیده است. و چه کسی بیشتر از پیامبر صلی الله علیه و آله برای این خلق کار
خیر انجام داده است؟

تعبیر مُکْفَر - که از کفر و تکفیر گرفته شده - اسم مفعول از باب
تفعیل، و به معنای «کفران شده» و یا «پوشیده شده» است. مکْفَر در
اصطلاح به کسی اطلاق می‌شود که از او قدر دانی نشود و نعمت
و جودش مورد کفران واقع شده باشد.

کلمه «معروف» که در این روایت به کار رفته، یعنی کار خوب و
نیک. خیر پیامبرا کرم صلی الله علیه و آله عام و فراگیر و شامل همهٔ مردم - اعم از افراد
قبیلهٔ ایشان (قریش) و هم نژادی‌های ایشان (عرب)، و غیر آنها (عجم) -
بوده است. معروف پیامبر صلی الله علیه و آله شامل گروه خاصی نبوده، بلکه همهٔ عالم
از آن بهره‌برده‌اند. ولی متأسفانه به طور شایسته از ایشان قدر دانی نشده
و مورد کفران قرار گرفته‌اند.

همان‌طور که امام موسی بن جعفر علیه السلام تذکر فرموده‌اند، در میان
مخلوقات خدا - از ابتدای خلقت تا انتهای آن - هیچ‌کس را نمی‌توان
یافت که به اندازهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله در حق مردم کار خوب انجام داده باشد.
پیامبرا کرم صلی الله علیه و آله مالک و واسطهٔ همه نعمت‌های مادی و معنوی هستند،
که به خلق خدا رسیده است. مهم‌تر از همه اینکه امر هدایت الهی را
تکمیل فرموده و اسلام را برای مردم آورده‌اند. نور هدایتی که به واسطهٔ
پیامبر صلی الله علیه و آله منتشر شده، به انسان حیات واقعی بخشیده است. اگر انسان
از این نعمت محروم می‌ماند، چه بسا از حیوانات گمراه‌تر می‌بود. حق
این سرچشمهٔ فیض الهی هیچ‌گاه ادا نگردیده و به همین علت، مکْفَر

نامیده شده است.

امام علی (ع) نیز از جهت «مُکَفِّر بودن» همچون پیامبر (ص) است. حضرت امام ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) در ادامهٔ روایت یاد شده، فرموده اند که:

وَ كَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ مُكَفِّرُونَ، لَا يُشْكِرُ مَعْرُوفًا.^۱

و همچنین ما اهل بیت نیز مُکَفِّر هستیم، چون شکر کارهای خوب ما ادا نمی شود.

خداوند متعال به انسان ها اراده و شعور و اختیار داده است تا آنها با خواست خود در طریق رضای خالق خویش قدم بردارند. ولی متأسفانه مسیری که بشر تا امروز پیموده، به طور کامل مورد رضایت پروردگار نیست، زیرا انسان ها از کسانی که بیشترین حقوق را برگردشان دارند، کمترین قدردانی را کرده و آنها را مورد بی توجهی قرار داده اند. مؤمنان برگزیده نیز مانند ولی نعمت هایشان مورد کفران واقع می شوند و مُکَفِّر بودن را از موالی خویش به ارث برده اند. در ادامهٔ روایت آمده است:

وَ خِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكَفِّرُونَ، لَا يُشْكِرُ مَعْرُوفُهُمْ.^۲

و برگزیدگان از مؤمنان، مُکَفِّر هستند، زیرا کار خوب آنها مورد شکر قرار نمی گیرد.

واقعیت این است که بیشتر مردم - حتی شیعیان و دوستانِ ائمه (ع) - با حقوق پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به طور کامل آشنا نیستند و گاهی اصلاً به ضرورت شکرگزاری این نعمت بی مانند الهی

۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۴۷.

۲- همان.

توجه ندارند. اگر هم موعظه‌ای شنیده، متذکر شوند، به زودی آن را فراموش می‌کنند.

در این بخش می‌خواهیم از این واقعیت تلخ سخن بگوییم، تاهمگی باور کنیم که در دنیای ما پیامبر و ائمه علیهم السلام خصوصاً مولای عزیزمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مُکَفَّر و غریب هستند. برای این منظور، معانی مختلفی از غربت ایشان را مورد توجه قرار می‌دهیم.



فصل ۱

امام قدر ناشناخته

معنای اول غریب

«قدر ناشناخته بودن» یکی از معانی رایج غربت است. اگر معرفتی که شایسته و بایسته شخصی است، وجود نداشته باشد، او را می‌توان «غریب» دانست. به عنوان مثال، اگر مردم با پزشک ماهری زندگی کنند، ولی او را نشناخته، به کمالات و تخصص و ایمان و دلسوزی او آگاه نباشند و با او مثل یک فرد بی سواد برخورد کنند، اصطلاحاً به آن پزشک، «غریب» گفته می‌شود. از طرفی ممکن است مردم به تخصص و تعهد او آگاه شوند، ولی قدر او را نشناسند و قلباً به او اعتقاد نداشته باشند و در مقابل به پزشکان دیگری که این تعهد و تخصص را ندارند، اعتماد کنند. در این صورت باز هم این پزشک «غریب» مانده است.

حال فرض کنید که این پزشک، در علم فقه هم متخصص باشد، در این صورت انتظار می‌رود که وقتی صحبت از فقه می‌شود، او را در زمره فقها برشمرده، به عنوان یک فقیه برای او حساب باز کنند. در غیر این

صورت، حقّ او ادا نشده است.

به این ترتیب، هر چه کمالات فرد بیشتر و فراگیرتر باشد، ضرورت شناخت او ملموس تر می شود. هر کدام از ویژگی های برجسته اش که - به طور اختیاری یا غیر اختیاری - مورد توجّه واقع نشود، از آن جهت قدر ناشناخته و غریب می ماند.

به همین ترتیب، اگر یک واسطه خیر شناخته نشود و مردم ندانند که نعمت ها و برکات از جانب چه کسی به آنها رسیده است، به سبب این نادانی، شکر نعمت او را چنانکه شایسته است، ادا نمی کنند و لذا او «غریب» می ماند.

از طرف دیگر، اگر ولّی نعمت شناخته شود، ولی به خاطر بی توجّهی یا به عمد، از او قدر شناسی لازم نشود، کفران نعمت صورت گرفته، این کفران نعمت به نوعی دیگر، به غربت او می انجامد.

برای روشن تر شدن مطلب، به ذکر مثالی می پردازیم. فرض کنید که شخصی میزبان مجلسی شده و سفره ای گسترده است که بر سر این سفره، از همه مهمانان پذیرایی می شود. حال اگر برخی از مهمانان، میزبان خود را نشناسند و ندانند که بر سر سفره چه کسی نشسته اند، طبعاً نمی توانند از او تشکر کنند. در این صورت، میزبان، ناشناخته و غریب خواهد ماند. حالت دیگری از غربت میزبان، وقتی صدق می کند که مهمان ها - با وجود اینکه صاحب نعمت را می شناسند - به او بی اعتنا باشند، از او تشکر نکنند و نسبت به او بی توجّه باشند. در این حالت نیز، به میزبان، مکفور و غریب گفته می شود و بدین ترتیب، مهمان ها با قدر ناشناسی خود، میزبان را در غربت نگاه داشته اند.

پس به طور کلی غریب به معنای قدر ناشناخته، دو صورت دارد: یکی آنکه اصلاً شناختی نسبت به او یا بعضی از کمالات و فضایل او وجود نداشته باشد. دوم زمانی که دیگران به او و کمالاتش واقف باشند، ولی آن طور که شایسته اوست، قدرش را نشناسند.

صورت اوّل، یک امر اختیاری نیست؛ چون انسان به اختیار خود شناخت پیدا نمی‌کند، هر چند که قطعاً مقدمات و زمینه‌های آن اختیاری است. ولی صورت دوم، کاملاً اختیاری است. وجه اشتراک بین این دو صورت، عدم شکرگزاری قلبی نسبت به نعمت مورد نظر است؛ یعنی اینکه حقّ او و کمالات و فضائل او ادا نشده است. در حالت اوّل، عدم شناخت نعمت و در حالت دوم، قدر ناشناسی از آن نعمت، سبب کفران نعمت است. به هر حال، آن اعتقاد و باور قلبی که شایسته یک نعمت است، نسبت به آن وجود ندارد. همین معنا را می‌توانیم به مکفور بودن قلبی و در نتیجه غریب ماندن تعبیر کنیم.

قدر ناشناخته بودن امام عصر علیه السلام

وقتی تعبیر «قدر ناشناخته» و «غریب» برای امام عصر علیه السلام به کار می‌رود، شاید تصوّر شود که مطرح کنندگان این بحث در بیان خویش مبالغه و اغراق می‌کنند؛ و یا گمان رود که این ادّعا صرفاً بر پایه احساسات و عواطف است و جنبه عقلانی ندارد. در حالی که غریب امام علیه السلام امری مستدلّ و روشن است که همگان باید واقعاً به آن متذکّر شوند و حقیقت آن را بیابند.

نعمت حضرت ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه یک نعمت «عامّ» و فراگیر است و همه خلایق را در بر می‌گیرد. شیعیان و غیر شیعیان،

مسلمانان و غیرمسلمانان و حتّی حیوانات و گیاهان و جمادات نیز، از نعمت وجود ایشان بهره‌مند می‌شوند و این نعمت مانند باران بر سر همه می‌بارد.

بنابراین شکر نعمت وجود ایشان، باید به گستردگی خود این نعمت، فراگیر باشد؛ در حالی که در حال حاضر، بر روی کره زمین، اکثر مردم اصلاً امام زمان علیه السلام را نمی‌شناسند و در واقع نمی‌دانند میزبان و ولیّ نعمت آنها کیست. بر سر سفره ایشان نشسته‌اند و نان و نمک حضرت را می‌خورند، اما هیچ‌گونه شکرگزاری نسبت به ایشان انجام نمی‌دهند؛ چون اصلاً نعمت وجود ایشان را نمی‌شناسند، تا ضرورت شکر آن را بدانند.

البته این عده که از شناخت ولیّ نعمت خویش محروم مانده‌اند، گاهی در این محرومیت خود مقصّر هستند؛ یعنی عدم شناخت آنها به سبب کوتاهی خودشان در فراهم آوردن مقدمات آن بوده است. این افراد، چه در جهل خویش مقصّر باشند یا نه، به هر حال، امام زمان خود را نمی‌شناسند و آن حضرت برای ایشان مکفور و غریب هستند.

امام شناسانِ قدرناشناس

غربت امام علیه السلام در بین عده دیگری مشهودتر و ناگوارتر است. این عده، اقلّیتی هستند که خدای متّان، امام عصر علیه السلام را به آنها شناسانده است و آنها می‌دانند که آن حضرت، حجت خداست و به آن اذعان دارند، لذا در زمره شیعیان قرار می‌گیرند، ولی قلباً قدرشناس حضرت نیستند.

این افراد اندک، مهمانانی هستند که میزبان و ولیّ نعمت خود را

می‌شناسند، امّا متأسّفانه غالباً او را مورد بی‌مهری قرار می‌دهند و شکر حضرتش را - چنانکه باید و شاید - ادا نمی‌کنند. غربتِ این ولیّ نعمت برای این افراد یک امر کاملاً اختیاری و به معنایِ قدر ناشناسی از وجود ایشان است.

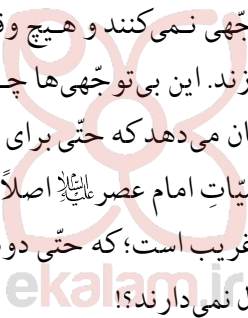
کسانی که این چنین امام خویش را قدر ناشناخته رها کرده‌اند، شایسته سرزنش هستند؛ چرا که از روی اختیار، نسبت به اعتقاد و پذیرش قلبی کوتاهی کرده‌اند.

اقلّیتی که شناخت اوّلیّه نسبت به امام زمانشان دارند، اگر حقّ این معرفت را ادا کنند و قلباً قدر دان آن شوند، خدای متعال به فضل خود، بر معرفت آنها می‌افزاید و امام علیه السلام را به آنها بیشتر می‌شناساند. ولی گاهی این افراد، خود، مقدّمات معرفت بیشتر را فراهم نمی‌آورند^۱ و با کوتاهی در انجام مقدّمات حصول معرفت، امام علیه السلام را برای خود غریب باقی می‌گذارند.

متأسّفانه بسیاری از شیعیان که از ولایت امام عصر علیه السلام برخوردار هستند، خود را از نخستین مرتبه معرفت - یعنی معرفت به اسم - نیز محروم ساخته‌اند. اینان حتّی خصوصیات ظاهری امامشان را هم نمی‌دانند. مثلاً از سال و محلّ تولّد ایشان بی‌خبرند و از این بابت هیچ‌گونه احساس نگرانی و شرمندگی هم نمی‌کنند. در حالی که بعضی از همین افراد، گاهی برای آشنایی با هنرپیشگان یا ورزشکاران

۱- البته این یک قاعده کلی نیست که شخص لازم باشد همیشه مقدّمات معرفت را خودش فراهم آورد تا خدا به او فضل نماید. بلکه خداوند به هر کس که بخواهد، فضل می‌کند. تفصیل این بحث در حلقه اوّل این سلسله درس‌ها آمد.

کشورهای خارجی، وقت زیادی صرف می‌کنند و با علاقه به دنبال کسب آگاهی بیشتر درباره آنها هستند.

بدین ترتیب برخی از نوجوانان شیعه اطلاعات وسیعی درباره فوتبالیست‌های داخلی و خارجی یا هنرپیشگان و... به دست آورده، به خاطر می‌سپارند. گروهی از بزرگسالان هم - به ضرورت کسب و کار خود - مشخصات کالاهای مختلف را به صورت تخصصی یاد می‌گیرند. اما بسیاری از این افراد - پیر یا جوان - اگر بارها و بارها اسامی، تاریخ تولد و مشخصات دیگر امام زمان علیه السلام در مجالس گوناگون به آنها گفته شود، کوچک‌ترین توجهی نمی‌کنند و هیچ وقت نمی‌کشند چیزی درباره امام خود بیاموزند. این بی‌توجهی‌ها چیزی جز قدرناشناسی قلبی را نمی‌رساند و نشان می‌دهد که حتی برای بعضی از افراد متدین، دانستن حدّ اقلّ خصوصیات امام عصر علیه السلام اصلاً مهم نیست. به راستی این ولی نعمت، چقدر غریب است؛ که حتی دستاندارانش این حدّ اقلّ توجه را هم به او مبذول نمی‌دارند؟! 

درس دوم: قدر ناشناخته بودن صفات امام عصر علیه السلام

در درس گذشته از قدر ناشناخته بودن امام عصر علیه السلام سخن گفتیم و اینکه بسیاری از امام شناسان نیز در مرحله معرفت به اسم، کوتاهی دارند.

عدم معرفت به وصف ekalam.ir

غربت امام عصر علیه السلام از جهت عدم «معرفت به وصف» بارزتر است. کسانی که از معرفت مشخصات ظاهری حضرتش غفلت می‌کنند، معمولاً افراد عامی هستند. اما متأسفانه در «معرفت به وصف» بیشتر، خواص دچار کاستی می‌شوند، که زیر مجموعه‌ای از اقلیت شیعیان هستند. اینان بیشتر افراد درس خوانده‌ای هستند که می‌توانند طرز تفکر دیگران را هم تحت تأثیر قرار دهند. محروم بودن این عده از معرفت امام عصر علیه السلام می‌تواند برای دیگران نیز خطر ساز باشد. از این رو، مشاهده غربت و ناشناخته بودن امام زمان علیه السلام در بین این افراد، بسیار دردناک است. همین امر، بسیاری از انحرافات را در

اصل دینداری پدید می‌آورد.

به عنوان مثال، گاهی دیده می‌شود که برخی شیعیان به اصطلاح درس خوانده، انواع و اقسام انحراف‌ها را در بحث امامت، یعنی در اصلی‌ترین ویژگی امام عصر علیه السلام مطرح می‌سازند. بیان نظریات این‌گونه افراد، دل‌های شیعیان عارف به حق امام زمان علیه السلام را به درد می‌آورد، ولی از آنجا که غربت حضرتش را به خوبی به تصویر می‌کشد، با طلب عفو و بخشش از ساحت مقدس حضرتش و دوستان مخلص ایشان، به برخی از این آراء اشاره می‌کنیم.

الف) امامت

اصلی‌ترین خصوصیت امام عصر علیه السلام، یعنی مسئله امامت، نخستین هدف حمله برخی افراد ناآگاه است. برخی از کسانی که خود را روشنفکر می‌نامند، امامت را صرفاً یک امر تاریخی می‌دانند و برای آن، ارزش اعتقادی قائل نیستند. نتیجه این طرز تفکر، بررسی مسئله خلافت و جانشینی پیامبر، به عنوان یک امر تاریخی است. منطقی‌ترین و مسالمت‌آمیزترین نتیجه این بررسی، آن است که هر چه بوده، گذشته است و بحث مجدد در مورد حوادث تاریخی، جز نو کردن اختلافات و زنده کردن کینه‌های دیرینه، نتیجه‌ای ندارد و ما را از انجام مسؤولیت فعلی خود - یعنی پرداختن به وظیفه روزگار خودمان - باز می‌دارد و به انحراف می‌کشاند.

بدین ترتیب، مسئله امامت - که اصل و رکن دین است - در هاله‌ای از جهل و ابهام و غرض‌ورزی مورد غفلت و انکار قرار می‌گیرد و کار به جایی می‌رسد که مذاهب مختلف اسلامی را نوعی خط کشی حزبی و

حقوقی می‌نامند و مدّعی می‌شوند که مکاتب اهل سنت هم در کنار مذهب برحقّ شیعه، اسلام حقیقی را تشکیل می‌دهند! پس هر کدام از این مذاهب مجاز هستند که به فقه خود عمل کنند. بنابراین نباید شیعه را مؤمن و منکرین امامت و ولایت ائمه علیهم‌السلام را کافر دانست! برای اینان که خود را روشنفکر می‌پندارند، اهمّیت مسأله امامت، به خوبی روشن نشده و ائمه اطهار علیهم‌السلام را اصلاً «نشناخته‌اند». از این رو، نمی‌توانند به راحتی زیر بار این مسأله بروند که «منکر امامت کافر است».^۱

اینان که اصلاً معنا و اهمّیت امامت را نفهمیده‌اند، چگونه می‌توانند قدر دان نعمت امام علیه‌السلام باشند؟ لذا برخی از آنها اظهار می‌کنند که در اسلام هیچ کس غیر از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وجود ندارد که انکار شخصیت و مقام او موجب کفر شود. اینها این قدر معرفت پیدا نکرده‌اند که بفهمند انکار امامت به منزله انکار توحید و عین کفر است. کافی بود که به جای این فرضیه پردازی‌ها و فرورفتن در تارهایی که خود به دست و پای خویش بسته‌اند، به این یک روایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم توجه می‌کردند که:

مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.^۲

هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خودش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

۱- وَ مَنْ جَحَدَ كُمْ كَافِرٌ (زیارت جامعه کبیره، مروی از امام هادی علیه‌السلام بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۳). این مضمون در احادیث فراوانی با الفاظ مختلف آمده است.
 ۲- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۹. مضمون این حدیث در منابع اهل سنت همچون صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲ نیز آمده است.